

## دولت و جامعه مدنی در خاورمیانه - ۱

## آیا اسلام‌گرایان می‌توانند دموکرات باشند؟

## بررسی تجربه اردن\*

نوشته: گلن. ای. رابینسون

ترجمه: دکتر حمید احمدی

مدنی در خاورمیانه باعث شد، تا سعدالدین ابراهیم جامعه‌شناس معروف مصری نشریه‌ای را تحت **جامعه مدنی** به بحث پیرامون ابعاد مختلف نظری و موارد ظهور جامعه مدنی در خاورمیانه، و بویژه جهان عرب، اختصاص دهد.<sup>۳</sup>

از سوی دیگر، تجربه الجزایر، یعنی پیروزی گروه اسلام‌گرای جبهه نجات اسلامی (الجبهة الاسلامیه للانقاذ) در انتخابات محلی سال ۱۹۹۱، و مداخله دولت برای جلوگیری از به قدرت رسیدن این گروه در سال ۱۹۹۲ و به دنبال آن وقوع خشونت‌های گسترده در جامعه الجزایر، نظر محققان و پژوهشگران خاورمیانه‌ای را به نقش گروه‌های اسلام‌گرا و ماهیت آنها جلب کرده و این سؤال که آیا بنیادگرایان اسلامی می‌توانند پس از به قدرت رسیدن به اصول و قواعد بازی دموکراتیک وفادار باشند، و به ایجاد یک ساختار اقتدارگرایانه دست نزنند، به موضوع محوری بحث‌های مربوط به جامعه مدنی در خاورمیانه تبدیل شده است. این بحث بدان سبب مطرح شد که اسلام‌گرایان در حال حاضر از جمله قوی‌ترین نیروهای سیاسی در جامعه مدنی در خاورمیانه هستند. پیروزی چشمگیر حزب اسلام‌گرای رفاه در انتخابات ۱۹۹۶ ترکیه و ابتکار نظامیان آن کشور در برکناری حزب رفاه و دولت لریکان از قدرت در اواخر ۱۹۹۷ بحث رابطه اسلام‌گرایان با پدیده دموکراسی را بیشتر مطرح ساخت. نخبگان سیاسی حاکم در کشورهای خاورمیانه و برخی از حامیان آنها در غرب این گونه استدلال می‌کنند که بنیادگرایان اسلامی دارای ماهیتی اقتدارگرایانه و غیردموکراتیک هستند، و با استفاده از گونه‌ای از فضای دموکراتیک و مشارکت سیاسی سعی دارند به قدرت برسند اما پس از استحکام اقتدار خود، یک نظام سیاسی

## توضیح مترجم:

محققان و پژوهشگران مسایل و سیاست‌های خاورمیانه، از اواخر دهه ۱۹۸۰، توجه خاصی به مسأله ظهور جامعه مدنی، رابطه میان دولت و جامعه مدنی، دموکراتیک شدن فضای سیاسی و گذار به دموکراسی<sup>۱</sup> در خاورمیانه معطوف کرده‌اند. باز شدن فضای سیاسی، و مشارکت نیروهای اجتماعی در فرایند سیاسی در برخی از کشورهای خاورمیانه‌ای چون مصر، ترکیه، کویت و اردن در طول دهه ۱۹۸۰ و دهه ۱۹۹۰ از یک سو و گسترش پدیده جهانی گذار از اقتدارگرایی به دموکراسی در برخی از مناطق جهان سوم مانند آمریکای لاتین و شرق آسیا در این دوران از سوی دیگر، در جلب نظر محققان خاورمیانه‌ای به بحث رابطه میان دولت و جامعه مدنی بسیار مؤثر بوده است. گرچه حجم گسترده‌ای از بحث پیرامون گذار به دموکراسی و بحث‌های نظری مربوط به آن، به جوامع غیر خاورمیانه‌ای اختصاص داشته است، اما خاورمیانه‌شناسان (چه غربی و چه بومی) از آغاز دهه ۱۹۹۰ بحث مذکور را در نشریات آکادمیک و محافل دانشگاهی مطرح ساخته‌اند. برگزینی چند کنفرانس بین‌المللی پیرامون جامعه مدنی در خاورمیانه عربی و انتشار چند کتاب اساسی پیرامون این مسأله<sup>۲</sup>، از جمله تحولات مربوط به زمینه بحث جامعه مدنی در خاورمیانه بوده است. در این کنفرانسها و کتابها، محققان پیرامون جنبه‌های مختلف بحث جامعه مدنی و رابطه دولت با آن، امکان یا عدم امکان ظهور یک جامعه مدنی نیرومند در خاورمیانه با توجه به ماهیت دولت و حضور ساختارهای مانع شونده در منطقه، و اصولاً نظریات گوناگون پیرامون این پدیده اظهار نظر کرده‌اند. همین حسن استقبال پژوهشگران از مسأله جامعه



مترجم که مباحث پیرامون دولت و جامعه مدنی و گذار به دموکراسی را در خاورمیانه دنبال می کند، باتوجه به آغاز بحث پیرامون جامعه مدنی در ایران پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ و روی کار آمدن دولت آقای سیدمحمد خاتمی، و نیز با توجه به کمبود طرح مباحث مربوط به جامعه شناسی سیاسی در جوامع خاورمیانه ای در ایران و فقدان اطلاعات مربوط به این بحث در رابطه با مناطق همجوار ایران و بویژه جهان عرب در صدد برآمده است سلسله مباحثی را پیرامون دولت و جامعه مدنی در خاورمیانه بطور کلی، و بحث اسلام گرایی و دموکراسی بطور خاص برای اطلاع خوانندگان محترم ایرانی مطرح سازد. این سلسله مباحث که به صورت ترجمه نوشته های برگزیده مربوط به موضوع و همچنین مقالات تألیفی در بحث مسایل نظری مربوط به جامعه مدنی و رابطه دولت با آن در خاورمیانه ارائه خواهد شد، خوانندگان را در جریان تحولات مربوط به جامعه مدنی در منطقه خاورمیانه قرار خواهد داد. مترجم بر این اعتقاد است که طرح مسأله جامعه مدنی در خاورمیانه به خوانندگان و علاقه مندان به بحث جامعه مدنی کمک خواهد کرد تا با مقایسه ایران با سایر موارد خاورمیانه ای به درک بهتری از فرایندهای سیاسی در سطح منطقه ای بعنوان يك پدیده عمومی نایل آیند.

\* Glenn E. Robinson, "Can Islamists Be Democrats? The Case of Jordan", *Middle East Journal*, Vol. 51, No. 3, (Summer 1997), pp.373-387.

## 1- Transition to Democracy

۲- در این رابطه بویژه دو کنفرانس مهم پیرامون جامعه مدنی در خاورمیانه، در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ در آمریکا و کانادا، و چند کنفرانس محلی در جهان عرب (بویژه قاهره) برگزار شد. از جمله کتابهای مهمی که در نتیجه کار این کنفرانسها منتشر شده، دو اثر زیر است:

- Ghassan Salame, ed, **Democracy Without Democrats?: The Renewal of Politics in the Muslim World** (London: I.B. Tauris, 1994).

- Augustus Richard Norton, ed, **Civil Society in the Middle East** (Leiden: E.J. Brill, 1995).

۳- این نشریه تحت عنوان **Civil Society** به سردبیری سعدالدین ابراهیم به زبان انگلیسی از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد منتشر شده است و مسایل مربوط به جامعه مدنی را در خاورمیانه بررسی می کند.



غیردموکراتیک مستقر ساخته و به سرکوب نیروهای اجتماعی خواهند پرداخت. اسلام گرایان نیز در برابر این اتهام سعی دارند نشان دهند که نسبت به اصول بازی دموکراتیک وفادار هستند و در صورت کسب قدرت به بستن فضای سیاسی اقدام نخواهند کرد. باتوجه به این مسأله، جریان اصلی گروههای اسلام گرا در خاورمیانه، توسل به خشونت را رد کرده و بر تعهد به مشارکت مسالمت آمیز در فرایند سیاسی تأکید کرده اند. گروههایی چون اخوان المسلمین در مصر و اردن، حزب رفاه در ترکیه، و جنبش نهضت (حرکت النهضة) در تونس، میانه روی اختیار کرده و تلاش داشته اند از طریق مشارکت سیاسی در تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع خود نقش آفرینی کنند. همان گونه که تجربه مصر، الجزایر، ترکیه و اردن نشان داده، این استراتژی به علت سیاستهای محدود کننده نخبگان سیاسی حاکم بر خاورمیانه با بن بست مواجه شده است.

اخوان المسلمین اردن به پیروی از اخوان المسلمین اصلی در مصر، در طول دهه ۱۹۸۰ ضمن محکوم کردن خشونت و افراط گرایی مذهبی و اتخاذ يك موضع مسالمت آمیز در برابر نظام سیاسی موجود در فرایند سیاسی اردن مشارکت کردند. اخوان المسلمین اردن در دو دوره انتخابات سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۳ به پیروزی چشمگیری دست یافتند و به قوی ترین نیروی پارلمانی در آن کشور تبدیل شدند. با وجود این، در انتخابات اخیر پارلمانی اردن در نوامبر ۱۹۹۷، اخوان المسلمین در اعتراض به مداخله دولت در انتخابات و امکان اعمال نفوذ به زیان اسلام گرایان از طریق تغییر قوانین انتخاباتی، انتخابات را تحریم کردند. بدین ترتیب، در پارلمان کنونی اردن، اخوان المسلمین و جبهه اقدام اسلامی (گروه وابسته به آن) نقشی ندارند. همین تحول در رابطه با اخوان المسلمین مصر نیز روی داد. اخوانی ها که در انتخابات سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۷ پیروزی قابل ملاحظه ای کسب کرده بودند، انتخابات سال ۱۹۹۰ را به دلیل احتمال تقلب و اعمال نفوذ دولت تحریم کردند. دولت مصر همچنین مانع مشارکت اخوان المسلمین و گروه وابسته به آن یعنی حزب الوسط (الوسطیه) در انتخابات ۱۹۹۵ شد. استدلال دولت های اردن و مصر، همانند سایر دولتهای خاورمیانه ای چون ترکیه، تونس و الجزایر این است که اسلام گرایان مذکور استراتژی خود را به ظاهر تغییر داده اند اما در عمل اقتدارگرا هستند.

گلن رابینسون نویسنده مقاله زیر، با تکیه بر تجربه اسلام گرایان اردن موضوع مهم دموکرات بودن یا نبودن اسلام گرایان را به بحث گذاشته است. به نظر او، اسلام گرایان اردن می توانند به نیروی سیاسی عمده در باز شدن فضای سیاسی و ظهور جامعه مدنی تبدیل شوند. این مقاله تحولات سیاسی جامعه مدنی اردن را تا پیش از انتخابات اخیر مورد بررسی قرار داده است.



الجزایر، مصر و تونس، حذف منطقه خاورمیانه از بحث گسترده مربوط به گذار دموکراتیک بسیار قابل توجه است.

تحقیق حاضر از موضوع تکراری و قدیمی پیرامون این سؤال که آیا دموکراتیک شدن فضای سیاسی در خاورمیانه امکان پذیر است یا نه، فراتر می رود. پرسش اصلی این تحقیق آن است که آیا یک جنبش اسلام گرای آشکار - که معمولاً بزرگترین تهدید برای هر نوع گشایش دموکراتیک در منطقه قلمداد می شود - می تواند به نیرویی برای دموکراتیک کردن جامعه و فضای سیاسی تبدیل شود؟<sup>۱</sup> این مقاله با استفاده از مورد اخوان المسلمین اردن و حزب سیاسی آن یعنی **جبهه اقدام اسلامی** (Islamic Action Front (IAF)) نتیجه می گیرد که جنبش اسلامی در اردن از زمان آغاز عصر لیبرالی شدن فضای سیاسی در ۱۹۸۹ بطور مداوم پیشاپیش حرکت برای دموکراتیک کردن جامعه اردن قرار داشته است. این امر نه بدان خاطر است که جنبش اخوان بیشتر از دموکراتهای جفرسونی\* تشکیل می گردد، بلکه به آن دلیل است که دموکراتیک شدن بیشتر فضای سیاسی و جامعه با منافع سازمانی و سیاسی آن سازگار بوده است. تمرکز بر منافع سازمانی بعنوان یک متغیر عمده تبیین کننده، نشان خواهد داد که چگونه گروهی که از نظر ایدئولوژیک «غیردموکراتیک» است، می تواند از نظر استراتژیک با آغوش باز از دموکراتیک شدن فضای سیاسی جامعه استقبال کند.

### اسلام گرایان و صندوقهای رأی

در پاسخ به بحرانهای اواخر دهه ۱۹۸۰، که با «شورشهای نان» در معان و گسترش آن به نقاط دیگر در بهار ۱۹۸۹ به اوج خود رسید، [دولت] اردن فرایند لیبرالی کردن سیاسی جامعه را آغاز کرد. برنامه دموکراتیک کردن اردن یک اقدام «دفاعی» یا «پیش گیری کننده» بود چون به صورت کنترل شده و از بالا به پائین صورت گرفت تا جلوی چالش بیشتر با نظام سیاسی در اردن را بگیرد. اردن، برخلاف سایر کشورهای منطقه، جنبش اسلامی نیرومند خود را وارد فرایند دموکراتیک شدن فضای سیاسی کرد و این اندیشه را که می گفت اسلام گرایان نمی توانند مشارکت مؤثری در سیاستهای دموکراتیک داشته باشند، بطور مستقیم به چالش گرفت.<sup>۲</sup>

پس از شورشهای نان، ملک حسین خواستار برپایی انتخابات پارلمانی برای نوامبر ۱۹۸۹ شد. به دلیل غیرقانونی بودن احزاب سیاسی، نامزدها بطور انفرادی در انتخابات سال ۱۹۸۹ شرکت کردند. با این همه، گرایشهای ایدئولوژیک نامزدها کاملاً شناخته شده بود و خود نامزدها نیز آنرا تبلیغ می کردند. دوره کوتاه مبارزات انتخاباتی (۲۵ روز) و این واقعیت که اخوان المسلمین تنها تشکل سیاسی مستقر در اردن بود، به نفع نامزدهای اسلام گرا تمام شد.

جنبش اسلام گرا نتایج انتخاباتی را از آن خود کرد و ۳۲ کرسی از ۸۰ کرسی پارلمان را به دست آورد. اگر «کرسی های سهمیه ای» برای اقلیت - یعنی مسیحیان، چرکسی ها و چینی ها - را از جمع کرسی ها کم

نخبگان حاکم در بسیاری از کشورهای خاورمیانه و برخی از پشتیبانان آنها در غرب ادعا می کنند که بنیادگرایان اسلامی ماهیتی اقتدارگرا و غیردموکراتیک دارند و با بهره گیری از گونه از فضای باز و مشارکت سیاسی می کوشند به قدرت برسند، اما پس از تحکیم پایه های اقتدار خود، نظامی غیردموکراتیک بر پا کرده و به سرکوب نیروهای اجتماعی خواهند پرداخت.

اسلام گرایان در کشورهای چون مصر، اردن، ترکیه، تونس و... سعی دارند نشان دهند که به اصول دموکراسی وفادارند؛ بنابراین میانروی اختیار کرده و کوشیده اند از راه مشارکت سیاسی در تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع خود نقش آفرینی کنند.

جنبش اخوان المسلمین اردن، در دوران فضای باز سیاسی با رفتار عمومی خود به گونه ای ایدئولوژی پایبندی نشان داده که بطور کلی با ارزشهای دموکراتیک سازگار بوده است.

اسلام گرایان اردنی: «دموکراسی برای ما نوعی جهاد است. منابع اسلام آزادی اندیشه و آزادی عمل را تشویق می کند. دموکراسی برای ما یک تاکتیک نیست، بلکه یک استراتژی است. جنبش اسلامی در اردن توانمند نیست. ما معتقدیم که دموکراسی بخشی از اسلام و جزو آن است»

دهه گذشته شاهد علاقه رو به رشد به موضوعات گذار دموکراتیک و جامعه مدنی در خاورمیانه بوده است. متأسفانه این پدیده مورد توجه جامعه وسیع تر علوم اجتماعی قرار نگرفته است، چون آثار متعدد منتشر شده پیرامون دموکراتیک شدن فضای سیاسی، به میزان زیادی جوامع خاورمیانه ای را نادیده گرفته است.

دلیل این حذف شدن خاورمیانه از بحث مذکور تا اندازه ای ناشی از اندک بودن موارد گذار دموکراتیک در منطقه و محدود بودن دموکراسی در همین موارد معدود است. با وجود این، با توجه به تعداد کشورهای کمی میزانی از گشایش سیاسی پایدار را در سالهای اخیر تجربه کرده اند، یعنی کشورهای اردن، کویت، لبنان و مراکش و نیز با توجه به موضوعات نظری (ثوریک) غنی مربوط به موارد «سده شده» [تجربه دموکراتیک] - م نظیر



حکومت دموکراتیک را مورد حمایت قرار می‌داد. در حالی که میثاق یک گفتمان دموکراتیک داشت، اما با دقت تمام از هر گونه دور شدن زیاد از ساختار قدرت کنونی در اردن اجتناب می‌کرد. گرچه اغلب حقوق گوناگون دموکراتیک مورد حمایت میثاق، مورد قبول اخوان المسلمین و جبهه اقدام اسلامی نیز بود، اما اسلام‌گرایانی که طرح آن را ریختند از برخی اصول شگفت‌انگیز حمایت کردند. مهمترین این اصول آن بود که اسلام (چه بعنوان مذهب و چه تمدن) تنها یکی از چهار منبع مشروعیت سیاسی قلمداد می‌شود. سه منبع دیگر عبارت از وطنیه (ناسیونالیسم اردنی)، قومیه (ناسیونالیسم عرب) و ارزشهای جهانشمول بود و هر کدام ارزش و وزنی برابر با اسلام داشت و این به ظاهر با دیدگاه اسلام‌گرایانه مربوط به حاکمیت در تضاد بود.<sup>۷</sup>

گرچه اسلام‌گرایان طی اجلاسهای پارلمانی ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ از قواعد دموکراتیک پیروی کردند، با این همه نماینده مخالفت شفاهی نیرومند با سیاستهای اساسی حکومت قلمداد می‌شدند. در نتیجه، و همراه با تحولات سریع در فرایند صلح عربی-اسرائیلی در پاییز ۱۹۹۳، ملک حسین در صدد برآمد در انتخابات نوامبر ۱۹۹۳ یک پارلمان مطیع‌تر خلق کند.

مهمترین و تنها اقدام برای ایجاد پارلمانی آرام و سربراه در ۱۹۹۳، طرح یک قانون پارلمانی جدید بود که با وجود مخالفت‌های اسلام‌گرایان و ۱۶ حزب از ۲۰ حزب سیاسی ثبت نام شده، بطور رسمی از سوی دولت پیشنهاد شد.<sup>۸</sup> مقامات حکومتی کاملاً قبول دارند که هدف از این تغییر در اصل به‌زانو در آوردن اخوان المسلمین بوده است.<sup>۹</sup> قانون مذکور که اصولاً رأی‌دهندگان را وادار می‌ساخت بین وفاداری‌های قبیله‌ای و حزبی یکی را انتخاب کنند، پارلمان متفاوتی در ۱۹۹۳ به‌وجود آورد. همان‌گونه که انتظار می‌رفت، روابط قبیله‌ای بر وابستگی‌های حزبی غلبه یافت و اسلام‌گرایان در این میان سخت‌ترین ضربه را خوردند. تعداد نمایندگان اسلام‌گرا از ۳۲ به ۲۲ کرسی کاهش پیدا کرد که ۱۶ کرسی آن به جبهه اقدام اسلامی تعلق داشت.<sup>۱۰</sup> در این پارلمان که به پارلمان قبیله‌ای معروف شد، ۴۶ کرسی از ۸۰ کرسی پارلمان به‌دست کاندیداهای بدون وابستگی حزبی افتاد و ۹۰ درصد نامزدهای موجود به‌همین‌گونه مستقل بودند. بازی پارلمانی همان‌گونه که طراحی شده بود به‌اجرا درآمد، و مجلسی که سخت طرفدار خاندان هاشمی بود در ۱۹۹۳ شکل گرفت.

گرچه نمایندگی اسلام‌گرایان در مجلس کاهش یافت، اما خطاست که گمان کنیم انتخابات ۱۹۹۳ نشانگر زوال اسلام‌گرایی در اردن بوده است. برعکس، انتخابات صرفاً نشان داد که نتایج انتخاباتی را می‌توان از قبل از طریق تغییر قواعدبازی بطور عمیق و آشکار «اداره» کرد و چنین نیز شد. اسلام‌گرایان با آنکه دستشان بسته بود، باز تعداد زیادی از کرسی‌های یعنی یک چهارم تمام کرسی‌ها و یک سوم کرسی‌های غیر سهمیه‌ای را در اختیار گرفتند.

کنیم، اسلام‌گراها ۳۲ کرسی از ۶۸ کرسی باقی مانده برای رقابت آزاد، یا بطور تقریبی نیمی از کرسی‌های پارلمانی را کسب کردند.<sup>۲</sup> نامزدهای اخوان المسلمین موفقیت ویژه‌ای به‌دست آوردند، چون ۲۰ کرسی به آنها و ۱۲ کرسی بقیه به نامزدهای مستقل اسلام‌گرا تعلق گرفت.<sup>۵</sup> نمایندگان مختلف قبایل، نامزدهای مستقل، مرکز‌گراها (Centerists) و اقلیت‌ها ۳۵ کرسی و چپ‌گرایان بقیه ۱۳ کرسی را به‌دست آوردند.

با وجود این، طی اولین اجلاس پارلمان، اسلام‌گراها دریافتند که در رابطه با تمام موضوعات مهم سیاسی بازی را باختند. در واقع، تنها در اجلاس دوم پارلمان، که در ۱۹۹۰ در جریان کشمکش خلیج فارس گشایش یافت، بلوک اسلامی شروع به تأثیرگذاری کرد و ضمن انتخاب عبداللطیف عربیات تحصیل کرده آمریکا بعنوان سخنگوی خود توانست چهار نفر از اعضای خود را وارد کابینه کند. اما زمانی که اخوان المسلمین اعلام کردند از کنترل خود بر وزارت آموزش و پرورش در هیأت دولت به‌منظور جدا ساختن پسرها و دخترها در مدارس استفاده خواهند کرد، و برای این کار هم به تصویب پارلمان نیاز نداشتند، ملک حسین کابینه را منحل اعلام کرد.

بدین ترتیب الگویی ایجاد شد که در آن نمایندگان اسلام‌گرای پارلمان مساله‌ای را مطرح می‌ساختند و تنها ملک حسین یا نخست‌وزیرانی که بی‌دری منسوب می‌شدند آن مساله را کنار می‌گذاشتند و جلوی عملی شدن آن را می‌گرفتند. اخوان المسلمین در رابطه با موضع خود نسبت به بسیاری از موضوعات از جمله جدایی دختران و پسران در مدارس عمومی، منع مشروبات الکلی، و مخالفت با گفتگوهای صلح با اسرائیل با شکست مواجه شدند. با این همه، اخوان المسلمین و متحدانشان به‌بازی بر طبق قواعد حکمرانی دموکراتیک ادامه دادند.

از میان پنج سیاست عمده‌ای که در فاصله ۹۳-۱۹۸۹ به تصویب پارلمان رسید- یعنی مساله قانونی شدن احزاب سیاسی، تصویب توافق با صندوق بین‌المللی پول برای بازسازی اقتصادی، لغو قانون حکومت نظامی، تصویب قانون مطبوعات و انتشارات، و سرانجام تقویت منشور ملی-مورد آخر شاید مهمترین مساله‌ای بود که اسلام‌گرایان از آن حمایت کردند. **الميثاق الوطني الاردني** (منشور ملی) در رابطه با فرایند دموکراتیک شدن فضای سیاسی و به‌نشانه آن طرح‌ریزی شد. در میان امضاء کنندگان منشور، تعدادی از برجسته‌ترین اعضای اخوان المسلمین اردن نظیر اسحاق فرحان (رئیس کنونی جبهه اقدام اسلامی)، یوسف العظم، عبدالله العکایله، عبداللطیف عربیات (رئیس پارلمان در ۹۳-۱۹۹۰)، مجید خلیفه، و احمد قطیش الازیده به چشم می‌خوردند. افزون بر این، چند اسلام‌گرای مستقل نیز نظیر جمال الصرایره، محمد العلوانه و محمود الشریف (سر دبیر روزنامه الدستور) میثاق را امضاء کردند.

میثاق یک سند کلی لیبرال بود که بسیاری از حقوق مربوط به شیوه



در بی انتخابات ۱۹۹۳، اسلام‌گرایان بار دیگر با موضوعات مشاجره آمیز مواجه شدند اما به فعالیت در چارچوب قیدوبندهای سیاست دموکراتیک ادامه دادند. هنگامی که اردن و اسرائیل پیمان صلح اکتبر ۱۹۹۴ خود را امضاء کردند، اسلام‌گرایان به انتقاد از این پیمان پرداختند، علیه آن در پارلمان رأی دادند و سخنرانی بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا خطاب به پارلمان اردن به مناسبت امضای پیمان را محکوم کردند. در دوران پس از امضای پیمان، اسلام‌گرایان (و دیگران) به انتقاد لفظی از این توافق، هم از نظر اصولی و هم بخاطر شتاب در امضای آن، ادامه دادند اما در این زمینه هنجارهای قابل قبول مخالفت دموکراتیک را نقض نکردند.

## ایدئولوژی اسلام‌گرایان در دوران باز شدن

### فضای سیاسی (از ۱۹۸۹ تا کنون)

جنبش اخوان المسلمین، طی دوران دموکراتیک شدن فضای سیاسی، بارفتار عمومی خود به نوعی ایدئولوژی پایبندی نشان داده که بطور کلی با ارزشهای دموکراتیک سازگار بوده است. اصول و عقاید اعلام شده اخوان المسلمین مندرج در برنامه انتخاباتی سال ۱۹۸۹ و مراننامه حزبی سال ۱۹۹۲ جبهه اقدام اسلامی،<sup>۱۱</sup> از نظر اقتصادی و اجتماعی بسیار محافظه کارانه بود، از حاکمیت اردن و حکومت هاشمی حمایت می‌کرد، طرفدار شریعت اسلامی بود، و با اعمال فشار، خودنمایی و تجمل سخت مخالفت می‌کرد.

برنامه سال ۱۹۸۹ اخوان المسلمین یک بیانیه نسبتاً طولانی و مفصل است که نمایانگر روش محافظه کارانه و سیاستهای گام به گام بسیاری از اعضای برجسته سازمان می‌باشد. از لحاظ اقتصادی، برنامه ۱۹۸۹ از محافظه کاری مالی حمایت می‌کند، اما لحن مردم‌گرایانه دارد. این برنامه خواستار حمایت از مالکیت خصوصی، کاهش بدهی‌های دولت، پائین آوردن تورم، کاستن از هزینه‌های دولت، و دست زدن به اقداماتی به منظور تقویت اعتماد به سرمایه‌گذاری است. این برنامه همچنین به ثروتهای تجملی در اردن حمله می‌کند و مدعی است که نابرابری زیاد درآمدها همراه با بیکاری گسترده، علت «نفرت زیاد»ی است که می‌تواند به انفجارهای خشم‌آگین در جامعه منجر شود.<sup>۱۲</sup> برنامه ۱۹۸۹ گذشته از تأکید بر نیاز به ایجاد شغل، از توزیع مجدد ثروت از طریق اصلاحات مالیاتی، حفاظت از صنایع کوچک، ممنوعیت واردات، خودکفایی ملی در بخش‌هایی که اردن در آن نفع متقابل ندارد، و مبارزه با رباخواری حمایت می‌کند.<sup>۱۳</sup>

از نظر اجتماعی، بیانیه اخوان المسلمین محافظه کارانه است. این بیانیه «فساد در همه شکل‌های آن»<sup>۱۴</sup> از جمله نوشیدن الکل، قماربازی، استفاده از مواد مخدر، سالت‌های رقص، و «فحشاء و استفاده از آرایش»<sup>۱۵</sup> را رد می‌کند. این بیانیه در حالی که خواستار حقوق برابر برای زنان شده و از حق زنان برای «برخورداری از مالکیت، کار و مشارکت در توسعه در

● رهبر جبهه اقدام اسلامی: «گروههای اسلام‌گرا در اردن معتقد به استفاده از زور برای ایجاد یک جامعه اسلامی نیستند. ما بعنوان یک حزب سیاسی خشونت را رد می‌کنیم و گروهی میانه‌رو هستیم؛ اما اگر جنبش اسلامی نتواند بعنوان یک حزب سیاسی در امور سیاسی فعال باشد، افراط‌گرایان و طرفداران خشونت تشویق خواهند شد».

● از نظر رهبر جبهه اقدام اسلامی هیچ جامعه‌ای، در گذشته یا حال، وجود ندارد که بتواند بعنوان یک نمونه آرمانی قابل تقلید باشد. او حتی دوران طلایی حکومت اسلامی در زمان خلفای راشدین را هم بعنوان یک الگوی قابل پیروی قبول ندارد.

● سازمان اخوان المسلمین اردن از زمان قانونی شدنش بوسیله ملک عبدالله در ۱۹۴۵، روابط ویژه‌ای با سلطنت هاشمی داشته و مؤثرترین نیروی سیاسی برای رویارویی با چپ‌پان عرب و نیز راست اسلام‌گرای رادیکال بوده است.

● تنش میان اخوان المسلمین و حکومت اردن هنگامی بروز کرد که برخی از اسلام‌گرایان نشان دادند می‌توانند بطور قانونی از فضای باز سیاسی نه تنها برای نشر عقاید خود، بلکه برای حمله به مراکز قدرت در کشور بهره‌گیرند.

محدوده‌های وضع شده توسط اسلام»<sup>۱۶</sup> حمایت می‌کند، تأکید می‌ورزد که این حقوق تازمانی قابل اجراست که «با وظایف زنان نسبت به خانه، شوهر و بچه‌هایشان برخورد پیدا نکنند».<sup>۱۷</sup>

بیانیه سیاسی برنامه ۱۹۸۹، بویژه در بخش آزادیهای عمومی، بر آزادیهای دموکراتیک تأکید می‌کند و بخصوص خواستار آزادی بیان، فکر، فعالیت و عبادت می‌شود. همه شکل‌های شکنجه و دستگیری خودسرانه به دلیل ممنوع بودن آنها در اسلام، رد شده است. برنامه ۱۹۸۹ ضمن حمله مستقیم به قانون حکومت نظامی آن زمان اردن تأکید می‌ورزد که این حقوق و آزادیهای گوناگون «نباید تحت عنوان قوانین فوق‌العاده، قانون حکومت نظامی یا قوانین اضطراری زیر پا گذاشته شود».<sup>۱۸</sup>

جبهه اقدام اسلامی در ۱۹۹۲، بلافاصله پس از قانونی شدن احزاب سیاسی در اردن تشکیل شد. گرچه جبهه از لحاظ فنی از اخوان المسلمین مستقل است، اما توسط برخی از اعضای برجسته آن تأسیس شده و بیانیه‌اش به اصول اخوان المسلمین شباهت دارد. از نظر



آزادی اندیشه و بیان را می‌پذیریم. هدف استراتژیک ما طرح دوباره تمدن اسلامی است، اما این کار باید به تدریج و به شیوه دموکراتیک صورت پذیرد.<sup>۲۵</sup> با این همه، فرحان نگران آن است که رژیم نیز بطور متقابل این شیوه را در پیش نمی‌گیرد: «من معتقدم که جنبش اسلامی با یک بن‌بست واقعی روبروست. ما بعنوان یک حزب سیاسی، خشونت را رد می‌کنیم. ما یک گروه میانه‌رو هستیم. با این وجود، اگر جنبش اسلامی نتواند بعنوان یک حزب سیاسی در امور سیاسی فعال باشد، افراط‌گرایان و طرفداران خشونت تشویق خواهند شد، و رهبری نخواهد توانست به‌عاده نظم ببرد».<sup>۲۶</sup>

جالب است که از نظر فرحان هیچ جامعه‌ای، در گذشته یا حال، وجود ندارد که بتواند بعنوان یک نمونه آرمانی قابل تقلید باشد. اهداف اسلام‌گرایانه در اردن از آنجا ابداعی و نو است که [اسلام‌گرایان] به هیچ کشوری برای راهنمایی اقدام سیاسی خاص اشاره نمی‌کنند. فرحان بطور مسلم جمهوری اسلامی ایران را یک دولت اسلامی الگو در نظر نمی‌گیرد: «ایران می‌گوید که اسلام را پیاده می‌کند، اما واقعیت آن است که این اسلام جنبه شیعی دارد. جنگ با عراق نیز اعتبار نظام ایران را از بین برد! \* فکر نمی‌کنم ایران یک دولت ایده‌آل اسلامی باشد».<sup>۲۷</sup> عربستان نیز [برای اسلام‌گرایان اردنی] الگو نیست:

عربستان نیز واقعاً یک دولت اسلامی نیست. این دولت به یک گروه حقوق بشر اجازه نداد اوضاع داخلی آنجا را مورد بررسی قرار دهد. ما به حقوق بشر معتقد هستیم. مهمتر اینکه، راه نشان دادن اینکه آنها مسلمانان واقعی هستند این است که ثروت عظیم خود را به نفع تمام مسلمانان تقسیم کنند، اما آنها این کار را نکرده‌اند. امت اسلامی ادعا و حق بیشتری از ایالات متحده آمریکا نسبت به نفت دارد، اما سعودی‌ها این شیوه رفتار را در پیش نگرفته‌اند.<sup>۲۸</sup>

فرحان دوران طلایی حکومت اسلامی عصر خلفای راشدین را هم بعنوان یک الگوی قابل پیروی قبول ندارد: «این، به دورانی بسیار قبل مربوط می‌شود. ما به دوران رؤیایی [اتویا] علاقه‌مند نیستیم، بلکه می‌خواهیم یک گذار تدریجی به سوی یک جامعه بهتر اسلامی داشته باشیم».<sup>۲۹</sup> از نظر فرحان «هیچ جامعه دیگری بعنوان نمونه آرمانی ما مطرح نیست، اردن منحصر به فرد است و ما اینجا را خواهیم ساخت».<sup>۳۰</sup> جای شگفتی نیست که هم ابو غنیمه و هم فرحان به غرب بطور کلی و به ایالات متحده آمریکا بطور خاص با سوءظن می‌نگرند. از نظر آنها، غرب در پی نابودی اسلام است و می‌خواهد مسلمانان را همه‌جا در موضع تدافعی قرار دهد. به‌گفته ابو غنیمه:

ایالات متحده آمریکا در برابر کل اسلام اعلام جنگ کرده است، و شما می‌توانید آن را در الجزایر، بوسنی، عراق، فلسطین و همه‌جا مشاهده کنید. ایالات متحده از رژیم‌هایی که جنبشهای اسلامی را سرکوب می‌کنند، بویژه در مصر، الجزایر و تونس حمایت می‌کند. هیچ دلیل اساسی برای دشمنی میان مسلمانان و غرب وجود ندارد.

قانونی، جنبش اخوان المسلمین یک سازمان اجتماعی و فرهنگی است، که به گسترش دعوت (پیام اسلامی) مشغول است و یک حزب سیاسی به‌شمار نمی‌آید. بیانیه جبهه اقدام اسلامی از بیشتر جهات با برنامه ۱۹۸۹ اخوان المسلمین یکی است، اما رنگ اسلامی کمتری دارد. بیانیه جبهه اقدام اسلامی نیز همانند برنامه اخوان المسلمین خواستار اجرای شریعت شده، فساد را تقبیح می‌کند، پشتیبان جهاد برای آزادی فلسطین است، و ضمن تأکید بر حمایت از نیروهای مسلح اردن، به شیوه آشکار تری از برنامه ۱۹۸۹ خواستار آزادهای عمومی و گسترش فضای دموکراتیک می‌شود. بیانیه در اشاره آشکار به تفرقه‌های قومی فلسطینی در ساحل شرقی رود اردن، خواهان «تقویت وحدت میان شهروندان، مبارزه با کشمکش‌های قومی، منطقه‌ای، قبیله‌ای و محلی که این وحدت را تهدید می‌کند» است.<sup>۳۱</sup>

عمده‌ترین اختلاف میان دو برنامه، شاید به نقش زنان مربوط شود. جبهه اقدام اسلامی در حالی که بار دیگر خواستار حقوق برابر برای زنان (در چارچوب ارزشهای اسلامی)<sup>۳۲</sup> می‌شود، از «گسترش نقش رهبری زنان در هیات سیاسی»<sup>۳۳</sup> طرفداری می‌کند. بدین ترتیب اخوان المسلمین برای نخستین بار از طریق جبهه اقدام اسلامی نه تنها خواستار مشارکت زنان در حیات عمومی می‌شود بلکه بر نقشهای رهبری آنان در صحنه سیاسی تأکید می‌کند. با این همه، جبهه اقدام اسلامی تاکنون احساس تعهد نکرده است که این سیاست را در میان مقامات خود به اجرا بگذارد.

مصاحبه‌هایی که با اسلام‌گرایان بر جسته صورت گرفته است موضوعات مهم دیگری بویژه در رابطه با تفسیرهای آنان از دموکراسی، نوع سیاستهایی که باید در پیش گرفته شود، و دیدگاههای آنان در رابطه با غرب را روشن می‌سازد،<sup>۳۴</sup> اسلام‌گرایان اردنی که خوب می‌دانند برخی از اسلام‌گرایان خاورمیانه‌ای آشکارا به دموکراسی بعنوان یک شعار تاکتیکی توجه نشان داده‌اند اما هنگامی که به قدرت رسیده‌اند به جای دموکراسی یک حکومت الهی اسلامی ایجاد کرده‌اند، با دقت تمام اسلام را با نفس دموکراسی ارتباط می‌دهند. بطور نمونه، زیاد ابو غنیمه ضمن ابراز تردید نسبت به میزان دموکراسی در اردن، معتقد است که «دموکراسی برای ما نوعی جهاد است. منابع اسلام آزادی اندیشه، و آزادی عمل را تشویق می‌کند. دموکراسی برای ما یک تاکتیک نیست، بلکه یک استراتژی است. جنبش اسلامی [در اردن] توالتیتر نیست. ما معتقدیم که دموکراسی بخشی از اسلام و جزو آن است. درست است که برخی از اسلام‌گرایان خواستار حکومت الله هستند، اما این روش ما نیست».<sup>۳۵</sup>

اسحاق فرحان، رهبر جبهه اقدام اسلامی ارتباط میان اسلام و دموکراسی را به شیوه‌ای مشابه می‌نگرد: «گروههای اسلام‌گرا در اینجا معتقد به استفاده از قوه قهریه برای ایجاد یک جامعه اسلامی نیستند. ما به دموکراسی معتقدیم، آنها بعنوان استراتژی و نه بعنوان یک تاکتیک».<sup>۳۶</sup> ما



● در پاسخ به این پرسش که چرا با وجود مواضع صلح‌آمیز اسلام‌گرایان، ملک حسین این ستون پشتیبانی از سلطنت هاشمی را سرکوب می‌کند، سه دلیل عمده ذکر می‌شود: کاهش اهمیت آنچه زمانی دشمن مشترک قلمداد می‌شده؛ نفس ماهیت فرایند دموکراتیک؛ و ویژگی‌های در حال تحول جمعیتی جنبش اسلامی.

● از لحاظ جامعه‌شناختی، جنبش اسلامی در اردن دیگر در قالب یک سازمان مستحکم تحت سلطه خانواده‌های سنتی ساحل شرقی رود اردن قرار ندارد. جنبش اسلامی یک پایگاه گسترده فلسطینی پیدا کرده و بیش از پیش به طبقه جوان، فقیر و مخاطره‌گر متوسل می‌شود. بدین ترتیب کسانی که از جنبش پشتیبانی می‌کنند ممکن است دیگر به ادامه بازی با قواعد دموکراتیک رضایت ندهند.

جنبش اسلامی بطور ذاتی و غریزی ضد غرب یا ضد مدرن نیست. ما تنها به این واقعیت پاسخ می‌دهیم که غرب رژیم‌های دیکتاتوری را به زیان مسلمانان تقویت می‌کند.<sup>۳۱</sup>

روی هم رفته، ایدئولوژی اسلام‌گرایی در اردن طی دوران باز شدن فضای سیاسی لحن ملایم داشته و در تحلیل اوضاع سیاسی ممکن و مطلوب متین عمل کرده است. اخوان المسلمین با توجه به تاریخ طولانی روابط نزدیک خود با سلطنت هاشمی و موقعیت خوب خود در جامعه، میان‌روی سیاسی در پیش گرفته‌اند. آنها هم در سخن و هم در عمل نشان داده‌اند که به فرایند دموکراتیک احترام می‌گذارند و از رژیم موجود حمایت می‌کنند. یا همانگونه که رهبر اخوان المسلمین اردن اخیراً گفته است: «در استراتژی یا سیاست اخوان المسلمین در خواستی برای سرنگونی رژیم مطرح نشده است. ما طرفدار اصلاحات تدریجی هستیم. ما هرگز به خشونت یا تروریسم روشنفکری اعتقاد نداریم».<sup>۳۲</sup> هیچ‌یک از موارد بالا نمی‌تواند نشان آن باشد که اخوان المسلمین نماینده تازه‌ترین موج دموکراسی جفرسونی در خاور میانه است.

از طرفی هم می‌توان با تأمل اظهار داشت که بینش اسلامی یک «دموکراسی غیر لیبرال» است. اما، مسأله این است که با توجه به شرایط خاص سیاسی، احزاب مذهبی آشکارا می‌توانند از طریق یک فرایند دموکراتیک جذب شده و «رام» گردند. نیازی نیست به‌راه دور برویم؛ چنانچه به اردن و اسرائیل نگاه کنیم می‌توانیم احزاب مذهبی ارتدکسی پیدا کنیم که بطور موفقیّت‌آمیز در فرایند دموکراتیک شرکت می‌کنند. در مواردی نظیر اخوان المسلمین اردن که در آن منافع سازمانی حامی لیبرالی شدن سیاسی فضای جامعه است، جنبش‌های اسلامی نه تنها می‌توانند دموکراتیک شدن فضای سیاسی را تحمل کنند، بلکه به‌راستی می‌توانند

قهرمان این حرکت نیز باشند.

## تیره شدن روابط خاندان هاشمی و اخوان المسلمین

سازمان اخوان المسلمین از زمان قانونی شدنش توسط ملک عبدالله در ۱۹۴۵، روابط ویژه‌ای با سلطنت هاشمی داشته است. در ۱۹۵۳، موقعیت قانونی جنبش از «جامعه خیریه» به یک «گروه سازمان‌یافته» تغییر یافت و این تحول به اخوان اجازه داد از نظر سیاسی فعال شوند و به یک حزب دوفاکتو تبدیل گردند. در حالی که به دنبال سرکوب عمومی مخالفان سیاسی در اردن در دهه ۱۹۵۰ احزاب سیاسی دیگر غیرقانونی اعلام شدند، اخوان المسلمین موقعیت قانونی خود را همچنان حفظ کردند. بدین ترتیب اخوانی‌ها توانستند به مدت سه دهه از نوعی انحصار سیاسی در عرصه عمومی کشور برخوردار شوند.

این بیشتر به دلایل سیاسی و نه تعهد مذهبی بود که پادشاهی اردن چنین موقعیت ممتازی به اخوان المسلمین اعطا کرد. اخوان المسلمین مؤثرترین نیروی سیاسی برای رویارویی با چپ‌پان عربی و نیز راست اسلام‌گرای رادیکال بوده است. ناسیونالیست‌های عرب در سالهای دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بزرگترین تهدید برای سلطنت هاشمی محسوب می‌شدند. در این اواخر، مخالفت آشکار و سرسختانه با شاه حسین از سوی محافل رادیکال اسلام‌گرا نظیر جنبش محمد (سپاه محمد) ۳۳ یا حزب التحریر الاسلامی که سابقه قدیمی تری دارد، صورت گرفته است. اخوان المسلمین بخاطر مخالفت ایدئولوژیک خود با چپ عربی و نیز تاکتیک‌های خشونت‌بار رادیکال‌های اسلام‌گرا، به متحدان نیرومند سلطنت هاشمی تبدیل شده‌اند.

بخاطر این حمایت از نظام پادشاهی بود که جنبش اخوان المسلمین نه تنها قانونی باقی ماند، بلکه به شکوفایی و گسترش نیز تشویق شد. رهبران جنبش بطور منظم در حکومت مشارکت داشتند، و اغلب اوقات نیز این مشارکت از طریق وزارت آموزش و پرورش صورت می‌گرفت. از نظر جنبش، جذبه اجتماعی کردن جوانان اردن بر طبق دیدگاه‌های بیشتر اغواکننده بود چون وزارت آموزش و پرورش در واقع از بزرگترین نهادهای استخدام‌کننده در اردن بود و برای کنترل کنندگان آن منابع فراوانی فراهم می‌ساخت.<sup>۳۴</sup> در واقع فرحان رهبر کنونی جبهه اقدام اسلامی و عربیات، رئیس سابق پارلمان از جبهه اقدام اسلامی، در دوران شغلی خود به ترتیب وزیر آموزش و پرورش و مدیر کل وزارت آموزش و پرورش بوده‌اند.<sup>۳۵</sup> در حالی که روابط میان پادشاهی و اخوان المسلمین همیشه کاملاً حسنه نبوده، اما سیاست همراهی میان آنها بطور آشکار موفق بوده است.

این روابط، پس از انتخابات ۱۹۸۹ در ابتدا همچنان نیرومند باقی ماند. جنبش از حاکمان سیاسی اطاعت می‌کرد و وفاداری خود نسبت به پادشاه، کشور و فرایند دموکراتیک را حفظ می‌نمود. گذشته از این،



اسلام گرایان منظور او را در نیافته اند ادامه داد: «مایلم تأکید کنم که مصمم هستیم در برابر عناصری که می خواهند تصویر کشور ما را خدشه دار کنند و ما را به گذشته باز گردانند بایستیم. و اگر از مرزهایی که باید رعایت کنند پا فراتر نهند، با هر گونه اقدام لازم برای حفظ دموکراسی مواجه خواهند شد و مطمئن باشند که آنها را در راهشان متوقف می سازیم و دوباره به راه درست هدایت خواهیم کرد».<sup>۳۶</sup>

ابزار اساسی شاه در برابر اخوان المسلمین همان بود که در صفحات قبل به آن اشاره شد: اصلاح يك جنبهٔ سیستم انتخاباتی در ۱۹۹۳ به منظور از میان برداشتن جبههٔ اقدام اسلامی. افزون بر این، حکومت موج دستگیری اسلام گرایان را بویژه در ۹۵-۱۹۹۴ آغاز کرد، و پیام محکمی به اسلام گرایان و سایر مخالفان داد. عبدالمنعم ابوزنظ معاون جبههٔ اقدام اسلامی پس از تقبیح پیمان صلح با اسرائیل در جریان يك موعظهٔ عمومی، از سوی مهاجمان ناشناس به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت. پلیس امنیتی و مخابرات [سازمان اطلاعات - م] در این رابطه مورد سوءظن قرار گرفتند. بدتر از همه این که شبیلات بار دیگر در دسامبر ۱۹۹۵ به اتهام توهین به شاه دستگیر شد و همراه این اقدام، سرکوب عمومی انجمن های حرفه ای در اردن آغاز گردید. در پاسخ به این اقدام، انجمن مهندسان به اتفاق آراء شبیلات را در فوریهٔ ۱۹۹۶، در حالی که هنوز در زندان به سر می برد، بار دیگر بعنوان رئیس خود انتخاب کرد.<sup>۳۷</sup>

شبیلات و قضیهٔ او بیانگر مشکل بزرگی است که سلطنت هاشمی در رابطه با نحوهٔ رفتار با اسلام گرایان با آن روبرو شده است: جنبش توسط خانواده های اهل ساحل شرقی رود اردن رهبری می شده است که از نظر سنتی منبع اولیهٔ کسب حمایت برای هاشمی ها بوده است. رژیم می تواند عناصر اسلام گرا را سرکوب کند، اما این سرکوب نمی تواند سخت باشد. پدر شبیلات چهرهٔ برجستهٔ سیاستهای اردن بوده، و برادرش سناتور و جراح پلاستیک و از نخبگان اردنی است. قضیهٔ شبیلات بیانگر اهمیت روابط میان خانواده های ساحل شرقی و خاندان هاشمی است. حتی پس از محبوس کردن يك سالهٔ شبیلات به دنبال سخنرانی های عمومی صریح و غیر چاپلوسانهٔ او در مورد ارتباطات ملك عبدالله با انگلیسی ها، ملك حسین شخصاً به زندان سواقه رفت و ضمن آزاد کردن شبیلات او را با ماشین خود به نزد خانواده اش در پایتخت باز گرداند.<sup>۳۸</sup>

همهٔ اینها این پرسش را مطرح می سازد که چرا با توجه به اقدامات صلح آمیز اسلام گرایان، شاه این ستون حمایت از هاشمی را سرکوب کرد، و چرا این روابط که زمانی آنچنان قوی بود، تا این حد رو به وخامت گذاشت؟ به نظر می رسد بتوان سه دلیل عمده در پاسخ به این پرسشها ذکر کرد: کاهش اهمیت آنچه زمانی دشمن مشترك قلمداد می شده؛ ماهیت خود فرایند دموکراتیک؛ و ویژگی های در حال تحول جمعیتی در جنبش اسلامی.

گرچه اسلام گرایان به ندرت بخشی از کابینه بوده اند، اما در سیاست های کشور مداخله داشته اند. بطور نمونه، بدران به هنگام نخست وزیری اش سندی با اخوان المسلمین ردوبدل کرد که ۱۴ نکته از منافع مشترك میان جنبش و دولت را آشکار می ساخت. بعلاوه، اخوان المسلمین نشان دادند که طی جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ متحدان قدرتمند پادشاه هستند و به نظام کمک کردند تا از يك چالش سخت جان سالم به در برد.

تنش میان اخوان المسلمین و حکومت زمانی بروز کرد که برخی از اسلام گرایان نشان دادند می توانند بطور قانونی از فضای باز دموکراتیک نه تنها برای نشر عقاید خود، بلکه برای حمله به مراکز قدرت در اردن استفاده کنند. در تجربهٔ لیبرالی شدن از بالا به پایین و کنترل شدهٔ فضای سیاسی که در کشوری چون اردن، دموکراتیک کردن جامعه به گونه ای طراحی شده بود که هیچ گونه تغییر اساسی در توزیع اجتماعی قدرت صورت نگیرد. مهمترین تهدید قانونی نسبت به این قدرت بحث های پارلمانی مربوط به فساد دستگاه دولت بود که به رهبری لیث الشبیلات عضو اسلام گرای پارلمان صورت گرفت. شبیلات که نمایندهٔ حوزهٔ سوّم و پرنفوذ پایتخت بود، در انتخابات ۱۹۸۹ بیش از تمامی نامزدهای دیگر رأی آورده بود و يك اصلاح طلب مردمی و منتقد دولت محسوب می شد. بحث های پارلمانی او پیرامون فساد در حکومت بزرگترین چالش نسبت به ساختار موجود قدرت در اردن از زمان آغاز لیبرالی شدن فضای سیاسی در ۱۹۸۹ بود. این بحث ها فساد گسترده در حکومت را، بویژه در حکومت زیدالرفاعی نخست وزیر سابق افشامی کرد. در واقع، پارلمان تنها به يك رأی برای دستیابی به اکثریت برای محکوم کردن رفاعی به اتهام فساد نیاز داشت.

به تلافی این کار، عناصر درون رژیم، شبیلات و یعقوب غرأش نمایندهٔ دیگر پارلمان را به ایجاد فتنه و آشوب متهم ساختند و این مسأله به محاکمهٔ ساختگی آنان در دادگاه نظامی منجر شد. هر دو به مرگ محکوم شدند، و تنها چند روز بعد مورد عفو پادشاه قرار گرفتند. این پیام آشکاری بود که در رابطه با محدوده های دموکراتیک شدن فضای سیاسی داده شد.

مدت زمان درازی پس از آن طول نکشید که روابط حسنهٔ تاریخی میان شاه و اخوان المسلمین شروع به تیره شدن کرد و آن هنگامی بود که شاه در برابر مخالفان خود موضعی سرسختانه تر اتخاذ نمود. قضیهٔ شبیلات آشکارا به اسلام گرایان نشان داد که قانونی بودن فرد به معنی تحمل شدن او نیست، گرچه شبیلات خود يك اسلام گرای مستقل بود، اما اخوان المسلمین بعنوان قدرتمندترین گروه اسلام گرا قربانی اصلی موضع سرسختانهٔ شاه شد. ملك حسین تغییر دیدگاه خود را در جریان يك سخنرانی علنی و عمومی در حضور ستاد سلطنتی و دانشکده فرماندهی در ۲۳ نوامبر ۱۹۹۲ آشکار ساخت. او با اشاره ای مختصر، اسلام گرایان را متهم کرد که «طرفداران واپس گرایی و سرکوب» هستند و به ابزاری برای «مداخلهٔ دیگران در امور ما» تبدیل می شوند. شاه به احتمال آنکه



آنچه روابط میان هاشمی ها و اخوان المسلمین را مستحکم می ساخت، مخالفت مشترک آنها با چپهای ناصری بود. ناصریست‌ها چه از نظر ایدئولوژیک و چه در عمل مورد لعن و تکفیر اخوان المسلمین بودند: تعقیب و آزار جنبش اخوان المسلمین از سوی ناصر در مصر، در اردن سروصدای بسیار به پا کرده بود. امروزه، جنبش چپ در اردن از میان رفته است؛ در عمل نماینده‌ای در پارلمان ندارد و بر سر تحولات فلسطین دچار اختلاف و سرگردانی است. گذشته از این، اسلام‌گرایان رادیکال مهار شده‌اند، و این، نیاز ملک حسین به اخوان المسلمین بعنوان یک سپر سیاسی را بر طرف ساخته است. بدین ترتیب، دشمنان مشترک شاه و اخوان المسلمین از صحنه محو شده‌اند، و دیگر دو طرف را در راستای یک هدف مشترک متحد نمی‌سازند.

دوم اینکه، ماهیت فرایند دموکراتیک کارشاه را برای همراهی و تطابق محترمانه با اعضای جنبش اخوان المسلمین دشوار ساخته است. اسلام‌گرایان با برخورداری از مطبوعات آزاد و مصونیت پارلمانی، به یک بلندگوی عمومی دست یافته‌اند که قبلاً بهره‌ای از آن نداشتند، و از این سکوها برای انتقاد آشکار از سیاستهای عمده حکومت استفاده کرده‌اند. موضوع صلح با اسرائیل اهمیت خاصی در این رابطه داشته است. به دنبال کنفرانس ۱۹۹۱ در مادرید، شاه بارها آشکارا تأکید کرد که با اسرائیل پیمان صلح امضاء خواهد کرد، و این باعث ناامیدی آشکار اسلام‌گرایان شد. شاه ناچار بود توان اسلام‌گرایان برای مانع تراشی بر سر راه پیمان صلح را (از طریق ایجاد تغییرات در نظام انتخاباتی در ۱۹۹۳) محدود سازد، اما نمی‌توانست بدون پایان دادن به فضای باز سیاسی آنها را بطور کامل گوشه گیر کند. بعلاوه، به منظور توجیه انعقاد قرارداد صلح، به مشروعیت دادن به آن از طریق پذیرش دموکراتیک پیمان صلح نیاز داشت. بدین خاطر، پایان دادن به لیبرالیسم سیاسی پاسخ مناسب نبود. بنابراین، نفس تجربه دموکراتیک، اعمال کنترل سیاسی از سوی شاه را بسیار مشکل ساخت.

سوم اینکه، تحول در ترکیب جمعیتی گروه حامی جنبش اسلامی در اردن باعث می‌شود که اخوان المسلمین را دیگر نتوان متحد طبیعی نهاد سیاسی و اقتصادی موجود دانست. از لحاظ جامعه‌شناختی، جنبش دیگر یک سازمان مستحکم تحت سلطه خانواده‌های سنتی ساحل شرقی رود اردن نیست. جنبش اسلامی یک پایگاه گسترده فلسطینی پیدا کرده است و بیش از پیش به قشر جوان، فقیر و مخاطره‌گر توسل می‌جوید. گرچه این گذار هنوز در مراحل اولیه خود قرار دارد، اما جهتی که اسلام‌گرایی به خود می‌گیرد آشکار به نظر می‌رسد. بدین ترتیب، گرچه اسلام‌گرایان از قواعد دموکراتیک پیروی کرده‌اند، اما مردمی که پشتیبان جنبش هستند ممکن است دیگر به ادامه بازی با همان قواعد رضایت ندهند.

## آیا میانه‌روی اسلام‌گرایان دوام خواهد داشت؟

دو حادثه مربوط به هم باعث می‌شود در مورد توان جنبش اسلام‌گرا

در اردن برای حفظ جریان میانه‌روی اش شك و تردید کنیم. اول اینکه، تغییر و تحولات سیاسی روبه‌رشدی در داخل جنبش اصلی اسلام‌گرایی روی می‌دهد که انسجام نسبی آن را تهدید می‌کند؛ دوم اینکه، جنبش اسلام‌گرا به گونه‌ای فزاینده بر حمایت سیاسی فلسطینی‌ها که بطور سنتی آن‌را نادیده می‌گرفته است تکیه دارد. در سالهای آینده مسئله هویت فلسطینی حالت پراکنجه‌تری پیدا می‌کند و این می‌تواند بطور همزمان به رادیکال شدن اسلام‌گرایی منجر شود. هر دوی این نیروهای گریز از مرکز ممکن است جنبش اسلام‌گرا را از یک جنبش متحد اصلاح طلب به یک نیروی بی‌ثبات سازنده بالقوه تبدیل کند.

استدلال فوق‌الذکر، از لحاظ سیاسی به این اشاره دارد که جنبش اسلام‌گرا خود را با نظم غالب موجود تطبیق داده است. به همین ترتیب، از نظر جامعه‌شناختی این بدان معنی است که جنبش اسلام‌گرا اصولاً یک جنبش طبقه متوسط متشکل از مردان مسن و جاافتاده بوده است. برای نمونه، از میان ۳۵۳ عضو بنیانگذار جبهه اقدام اسلامی در ۱۹۹۲، ۳۳ درصد دارندگان مشاغل حرفه‌ای، ۵۱ درصد کارمندان بخش دولتی، و ۱۰ درصد از بازرگانان بوده‌اند. ۲۹٪ از میان همین بنیانگذاران، ۵۶ درصد بیش از ۴۱ سال داشته‌اند. نخستین شورای جبهه اقدام اسلامی - که بدنه حاکم حزب به شمار می‌رود - شامل ۱۲۰ نفر می‌شد که ۷۴ درصد آنها بالای ۴۰ سال داشتند. ۴۱٪ این آمار مربوط به کشوری است که نیمی از جمعیت آن زیر ۱۶ سال هستند. و در واقع تمامی رهبری جبهه اقدام اسلامی، از جمله همه اعضای نخستین شورا و ۳۴۲ نفر از ۳۵۳ بنیانگذار آن، مردان بوده‌اند.

در گرماگرم این به ظاهر انسجام سیاسی و جامعه‌شناختی، بروز شکافهای جدی به جنبش اسلام‌گرا آسیب رسانده است. جبهه اقدام اسلامی بویژه بر سر برخی اختلافات علنی مربوط به انتخابات داخلی شورا، لطمه دیده است. هر دو انتخابات موقت ۱۹۹۲ و انتخابات ۱۹۹۳ در رابطه با تعیین مقامات شورای رهبری، به دلیل اختلافات داخلی مختل شد. پس از پیروزی تندروها در ۱۹۹۲، رهبران جاافتاده جنبش در صدد برآمدند نتایج متفاوتی برای پست‌های انتخابی چهار ساله در ۱۹۹۳ به وجود آورند. در نتیجه، کبوترها (میانه‌روها)ی جبهه اقدام اسلامی در ۱۹۹۳ در صدد قرار گرفتن و حتی شیخ ابوزنط که در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۳ بیشترین آراء را کسب کرده بود، نتوانست یک کرسی در شورا به دست آورد. هر دو انتخابات باعث شد که موجی از کناره‌گیری‌ها از جبهه اقدام اسلامی مشاهده شود.<sup>۴۲</sup>

موضوع عمده این اختلافات و مشاجرات، رابطه صحیح میان جنبش اسلام‌گرا و حکومت بود. در صورت نیاز، جبهه اقدام اسلامی تحت چه شرایطی باید در حکومت مشارکت کند؟ آیا همان گونه که اغلب رهبران قدیمی اش معتقدند، اساساً باید یک رابطه همکاری داشته باشد، یا آن گونه که دیگران در جنبش می‌گویند، باید موضع انتقادی آشکارتری اتخاذ کند؟ این تنش‌ها همچنان به حال خود باقی است و ادامه دارد. جبهه اقدام



که از ساحل شرقی هستند در عمل بر صحنه سیاسی تسلط دارند و در واقع اغلب فلسطینی‌ها را حذف کرده‌اند.<sup>۴۶</sup> در مقابل، جنبش اسلام‌گرا در اردن یک پایگاه سیاسی در اختیار فلسطینی‌ها قرار داده است. جبهه اقدام اسلامی بویژه نه تنها در مناطق ساحل شرقی، بلکه در میان فلسطینی‌ها نیز سخت ریشه دوانده است. شاخص‌های فراوانی در رابطه با نشان دادن ارتباط میان جبهه اقدام اسلامی و جامعه فلسطینی وجود دارد. بطور نمونه، نیمی از هیأت نمایندگی فعلی جبهه اقدام اسلامی (۸ از ۱۶) فلسطینی هستند. در بقیه پارلمان هشتاد نفری، تنها شش فلسطینی دیگر عضو هستند و یکی از این شش نفر نیز یک اسلام‌گرای «مستقل» است که در واقع عضو اخوان المسلمین می‌باشد. بدین ترتیب از ۱۴ عضو فلسطینی پارلمان اردن، ۹ نفر فلسطینی هستند. گذشته از این، دبیر کل جبهه اقدام اسلامی یک فلسطینی است، و تقریباً یک سوم اعضای شورا و کمیته اجرایی جبهه اقدام اسلامی نیز فلسطینی هستند.<sup>۴۷</sup>

گرچه میزان مشارکت فلسطینی‌ها بطور کلی در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۳ اندک بود، اما پشتیبانی آنان از جبهه اقدام اسلامی بسیار زیاد و نیرومند بود.<sup>۴۸</sup> برای نمونه، در شهر الزرقاء که بیشتر فلسطینی‌نشین است و در شمال شرق پایتخت قرار دارد، نامزدهای جبهه اقدام اسلامی سه نفری بودند که از نظر کسب تعداد آراء در رأس قرار گرفتند و ۸۵ درصد از کل آراء اخذ شده به نفع جبهه اقدام اسلامی به صندوق‌ها ریخته شد. به همین ترتیب، در بخش شرقی پایتخت که اغلب فلسطینی‌نشین می‌باشد، جبهه اقدام اسلامی ۴۳ درصد کل آراء و ۷۸ درصد آراء نامزدهای برنده را کسب کرد.<sup>۴۹</sup>

این الگوی آشکار رابطه میان هویت سیاسی فلسطینی‌ها با جنبش اسلام‌گرا در اردن را می‌توان ناشی از چند عامل دانست. امضای توافقی‌های اسلو که دو ماه پیش از انتخابات ۱۹۹۳ صورت گرفت، تأثیر زیادی بر انتخابات گذاشت. قرارداد اسلو با ناخشنودی شگفت‌انگیز اردن رویرو شد و به ظهور احساسات ملی افراطی عمومی و گسترده در ساحل شرقی و دشمنی نسبت به «دورویی» سازمان آزادیبخش فلسطین انجامید که اردن را از توافق در حال وقوع آگاه نکرده بود. دوم اینکه، فلسطینی‌های مخالف قرارداد اسلو احتمالاً بیشتر از جبهه اقدام اسلامی حمایت می‌کردند چون با توافق مخالفت نموده و در سراسر مناطق فلسطینی این شعار را طرح کرده بود که «سازمان آزادیبخش فلسطین، شما و حقوق شما و بیت المقدس را رها کرده است». ۵۰٪ از سوی دیگر، موافقان و حامیان توافقی‌های اسلو احتمالاً آینده سیاسی خود را در فلسطین و نه اردن می‌دیدند و بدین جهت تمایل زیادی به شرکت در انتخابات نداشتند.

علت نسبی توافقی‌های اسلو نباید باعث نادیده گرفته شدن علت اساسی دیگر حمایت فلسطینی‌ها از اسلام‌گرایان شود. جنبش اسلام‌گرا تنها کانال سیاسی موجود در اردن است که اجازه می‌دهد فلسطینی‌ها بدون برچسب فلسطینی خوردن در سیاستهای اردن مشارکت کنند. برای

اسلامی در پاسخ به پیمان صلح با اسرائیل، به این رأی داد که تا زمان قطع عادی‌سازی روابط با اسرائیل به هیچ دولتی ملحق نشود. با وجود این، برخی از اعضای جبهه اقدام اسلامی که نمی‌خواهند از نظر سیاسی حاشیه‌نشین شوند، در نظر دارند حزب جدیدی تشکیل دهند که با پیوستن به حکومت مخالف نباشد. این شکاف جدید تحت رهبری عبدالله عکایله، یکی از رهبران قدیمی اخوان المسلمین و چهره برجسته جنبش صورت گرفته است.<sup>۴۳</sup>

این شکاف‌ها، انعکاس یک تقسیم بزرگ‌تر در درون جنبش اسلام‌گرایان میان اسلام‌گرایان فرهنگی و اسلام‌گرایان سیاسی است. اسلام‌گرایان فرهنگی بیشتر از ساحل شرقی رود اردن هستند و به طرح مسایل اخلاقی و اجتماعی چون ممنوعیت الکل، جدا کردن زن و مرد در اماکن عمومی، و اسلامی کردن برنامه درسی مدارس تمایل دارند. همین گروه طرفدار اصلاحات گام به گام هستند که با صلابت از سلطنت هاشمی طرفداری می‌کنند. این جناح تا حال حاضر بر اخوان المسلمین و جبهه اقدام اسلامی تسلط داشته است. گرچه همه اسلام‌گرایان توافق صلح با اسرائیل را رد می‌کنند، اما زمینه‌های این مخالفت متفاوت است. مخالفت اسلام‌گرایان فرهنگی با توافق صلح بیشتر از ترس آنان از رخنه فرهنگی و اقتصادی اسرائیل در اردن و صدمات ناشی از آن به اسلام در دوران پس از صلح نشأت می‌گیرد.

گفتمان اسلام‌گرایان سیاسی در مورد موضوع صلح با اسرائیل کاملاً متفاوت است. مسأله از نظر آنان به امیرالیسم غربی و صهیونیستی و عدالت اجتماعی مربوط می‌شود، نه به ترس از محاصره فرهنگی امت اسلامی. به همین ترتیب، جدا ساختن دختر و پسر یازن و مرد از هم برای اسلام‌گرایان سیاسی به اندازه فساد حکومتی، شکنجه یا اقدامات ریاضتی قیم‌مآبانه صندوق بین‌المللی پول اهمیت ندارد. نتیجه اینکه، اسلام‌گرایان سیاسی کمتر دوستدار پادشاهی هستند و احتمالاً کمتر عضو اخوان المسلمین می‌باشند. از نظر جامعه‌شناختی، اسلام‌گرایان سیاسی از حیث ریشه قومی بیشتر فلسطینی هستند و از آموزش فنی بیشتری برخوردار می‌باشند.

گرچه هر دو دسته از اسلام‌گرایان در نهایت در پی تأسیس یک دولت اسلامی هستند، اما دیدگاه‌های آنان نسبت به ماهیت این دولت و چگونگی دستیابی به آن کاملاً متفاوت است. اسلام‌گرایان سیاسی بیشتر مایلند بر اهمیت قدرت دولت در ایجاد چنین نظامی، آنهم از بالا به پائین، تمرکز کنند، در حالی که اسلام‌گرایان فرهنگی بر ضرورت ایجاد یک دولت اسلامی از پائین به بالا تأکید دارند. از نظر آنان، «اسلامی کردن» اجتماعی مقدم بر تأسیس یک دولت اسلامی است. این شکاف دوگانه، در سراسر خاور میانه قابل مشاهده است.<sup>۴۴</sup>

جریان‌های جاری، بویژه به دلیل عامل فلسطین، به نفع برتری رو به رشد اسلام‌گرایان سیاسی است.<sup>۴۵</sup> گرچه فلسطینی‌ها حدود ۶۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند و تابعیت اردنی نیز دارند، اما آنان



نمونه، يك حزب سياسي مجزای فلسطینی به سادگی می تواند به بهانه «فلسطینی بودن صرف» از سوی گروه اهل ساحل شرقی نادیده گرفته شود و مسأله «وفاداری دو گانه» مطرح گردد. در مقابل، اخوان المسلمین و جبهه اقدام اسلامی با وجود پایگاه عمده فلسطینی خود و حضور فلسطینی ها در میان نمایندگانشان، از يك جایگاه سیاسی مشروع در بافت سیاستهای اردن برخوردار هستند. طاهر المصري، نخست وزیر اسبق و بازیگر با سابقه در سیاستهای اردن، همیشه از سوی اغلب ساکنان ساحل شرقی اول بعنوان يك فلسطینی شناخته می شده است؛ برعکس اسحاق فرحان از جبهه اقدام اسلامی، که نزدیک بیت المقدس متولد شده است، بر حسب قومی ندارد. بدین ترتیب، جنبش اسلام گرا برای يك فلسطینی در اردن تنها انتخابی است که از آن طریق می تواند هم يك نفع عمومی در فلسطین داشته باشد (چون بخشی از امت اسلامی است و شهر مقدس قدس را در خود دارد) و هم از مشروعیت سیاسی در اردن برخوردار شود. هیچ جنبش دیگری نمی تواند هر دوی این نیازها را برای فلسطینی ها بر آورده کند. بنابراین، انتظار می رود که ارتباط فلسطینی- اردنی همچنان نیرومند باقی بماند. در واقع، حالت انفجار آمیز روبه رشد «سیاست مبتنی بر هویت» فلسطینی در اردن، همراه با ناتوانی قرارداد اسلو در ارائه منافع محسوس قابل انتظار، می تواند دست به دست هم دهد و به رادیکال شدن جنبش اسلامی در اردن در سالهای آینده بینجامد.

### نتیجه گیری

از نتیجه این مطالعه موردی این مسأله آشکار شده است که يك جنبش اسلام گرا می تواند به نیرویی برای توسعه و گسترش فضای دموکراتیک در خاور میانه تبدیل شود. سیاست اردن در رابطه با جذب سیاسی [نیروهای مخالف] قبل و طی برنامه دموکراتیک آن، منجر به خلق يك جنبش منسجم، دارای گرایش به نهاد سیاسی مستقر و میانه روی اسلام گرا شده است. افزون بر این، اسلام گرایان اردن نشان داده اند که دموکراتهای قابل هستند و ضمن پیروی از قواعد بازی سیاسی از طریق کثرت گرایی پارلمانی قدرت خود را در جامعه استحکام می بخشند. این برداشت با استدلالهای رایج مبنی بر اینکه جنبشهای اسلام گرا بزرگترین تهدید برای گذار دموکراتیک در خاور میانه هستند در تناقض است.

در عین حال، گشایش سیاسی، روابط میان اخوان المسلمین و پادشاهی هاشمی را تیره ساخته است. اخوان المسلمین دیگر تنها گروه سیاسی قانونی اردنی نیست و بنابراین در آشکار ساختن مخالفت خود با تغییرات اساسی سیاست، نظیر تغییر سیاست مربوط به پیمان صلح با اسرائیل کمتر احساس قیلبند می کند. این انتقادات، همراه با قدرتمند شدن اخوان المسلمین رژیم را واداشته است که دست به اقداماتی برای محدود ساختن قدرت آنها بزند. اگر این قیلبند و محدودیتها نمی بود، اسلام گراها به آسانی می توانستند برخی سیاستهای اساسی را با شکست مواجه سازند و یا حداقل شك و شبهه هایی اساسی در رابطه با

مشروعیت این سیاستها ایجاد کنند. آشکار است که رابطه ویژه اخوان المسلمین با هاشمی ها به پایان رسیده است.

سرانجام اینکه، ویژگی روبه رشد فلسطینی اسلام گرایی در اردن حاکی از رادیکال شدن بالقوه جنبش است، بویژه اگر توجه داشته باشیم که فلسطینی ها در حال وارد شدن به دوره ای از سیاستهای هویت یابی در حال التهاب هستند. اگر چنین تحولی رخ دهد، روابط اسلام گرایان با خاندان هاشمی به حد بسیار پائین تری نزول خواهد کرد و این می تواند نتایج جدی و وخیمی برای تجربه اردن در زمینه دموکراسی داشته باشد.

### منابع و یادداشتها:

۱. واژه های «دموکراتیک شدن» [فضای سیاسی] (Democratization) و «لیبرالی شدن سیاسی» در این مقاله گاه به گاه به يك مفهوم به کار می رود. تمایز معمولی میان آنها- یعنی حقوق سیاسی در برابر حقوق مدنی- در اینجا به کار نمی آید، چون هر دوی این حقوق همزمان پس از ۱۹۸۹ در اردن توسعه یافته است.
۲. گرچه به این حادثه غالباً بعنوان «شورشهای نان» اشاره می شود، اما واقعیت این است که تظاهرات علنی بیش از قطع یارانه های سوخت و شکر داشته است.
۳. عبارت «يك مرد، يك رای، يك زمان» به منظور مهار کردن ناشکیبایی گروه های اسلام گرا مورد استفاده قرار گرفته است و معنی آن این است که هر زمان اسلام گرایان در سیاستهای چند حزبی مشارکت کنند هم برنده می شوند و هم هرگونه سیاستهای دموکراتیک آینده را ه می کنند.
۴. در اردن ۲۰ بخش انتخاباتی وجود دارد که هر کدام از ۲ تا ۹ نماینده از مجموع ۸۰ نماینده را انتخاب می کند. ۶۸ کرسی برای نامزدهای مسلمان غیر اقلیت اختصاص دارد، ۹ کرسی برای مسیحیان، ۲ کرسی برای چرکسی ها و يك کرسی برای نامزدهای چرکسی و چینی به رقابت گذاشته می شود. اطلاعات مربوط به انتخابات ۱۹۸۹ از این منبع گرفته شده است: **انتخابات ۱۹۸۹، حقائق و لرقام** (عمان، اردن، مرکز الاردن الجديد للدراسات، اکتبر ۱۹۹۳).
۵. به علت مشکل بودن عنوان گذاری روی برخی نامزدها، گزارشها در رابطه با تعداد نامزدهای اسلام گرای مستقل که برنده شده اند متفاوت است. اطلاعات فوق الذکر از عنوان بندی مرکز الاردن الجديد للدراسات گرفته شده است. گزارشهای دیگر به ۲۳ کرسی اخوان المسلمین اشاره می کند، اما همگی در مورد ۳۲ نفر اسلام گرا توافق دارند.
۶. در رابطه با جزئیات ارقام و اندازه ها رجوع کنید به مقاله زیر که تحت بررسی و انتشار است:  
Glenn E. Robinson, "Defensive Democratization in Jordan".
۷. **الميثاق الوطني الاردني** (بی جا، دسامبر ۱۹۹۰)، فصل های اول و پنجم.
۸. احزاب سیاسی برای اولین بار در تقریباً چهار دهه در ۱۹۹۲ قانونی شدند.
۹. این مسأله در چند مصاحبه که نویسنده با اعضای برجسته حکومتی در اردن در آوریل و مه ۱۹۹۴ به عمل آورد مورد تأیید قرار گرفت. تنها کسی که حاضر شد این اطلاعات ضبط شود ابراهیم عز الدین، وزیر مشاور برای امور نخست وزیری در زمان اتخاذ این تصمیم بود.
۱۰. ارقام مربوط به انتخابات ۱۹۹۳ از دواثر زیر گرفته شده است، مگر در مواردی که منبع دیگر ذکر شده باشد:  
- مرکز الاردنی الجديد للدراسات، **انتخابات ۱۹۹۳: درسه تحلیلیه رقمیه** (عمان: فوریه ۱۹۹۴)
- مرکز الاردنی الجديد للدراسات، **Post- Election Seminar** (عمان: فوریه ۱۹۹۴)
۱۱. برنامه ۱۹۸۹ را می توان در **الرای**، ۲۵ اکتبر ۱۹۸۹ پیدا کرد و در اثر زیر هم آمده است:



۳۰. همان.

۳۱. مصاحبه با زیاد ابو غنیمه، ۱۹ آوریل ۱۹۹۴، عَمَّان.

32. **Jordan Times** (Amman), 12-13 October 1995, as cited in **FBIS - NES - 95- 198**, 13 October 1995.

۳۳. جالب اینجا است که اغلب اعضای جنبش محمد (ارتش محمد) چر کسی هستند و بسیاری از آنها داوطلبان جنگ در افغانستان بوده‌اند.

34. Hourani, et. al **Islamic Action Front Party**, p.13.

نویسنده مقاله تعداد کنونی کارکنان را ۶۰۰۰۰ نفر ذکر می‌کند.

35. **Ibid.**, pp.13-14.

۳۶. برای اطلاع از متن کامل سخنرانی رجوع کنید به:

**Selected Speeches by His Majesty King Hussein I, The Hashemite Kingdom of Jordon, 1988-1993** (Amman: International Press Office of Royal Hashemite Court, n.d.), pp. 89-104.

37. **Middle East International**, 15 March 1996.

38. **Jordan Star** (Amman), 14 November 1996.

۳۹. **حزب جبهه العمل الاسلامی**، ص ۲۹. بقیه ۲۱ بنیانگذار، یا ۶ درصد از آنها، مشاغل متعدد و گوناگون داشتند.

۴۰. همان. ص ۳۰.

۴۱. همان. ص ۴۵.

۴۲. زیاد ابو غنیمه پس از انتخابات ۱۹۹۳، از جبهه اقدام اسلامی استعفا کرد.

43. **Jordan Star**, 6 March 1997.

۴۴. برای بحث کامل تر پیرامون این تمایز، نگاه کنید به:

Glenn Robinson, **Building a Palestinian State: The Unfinished Revolution**. (Bloomington: Indiana University Press, 1997). ch.6.

۴۵. این تحول در اردن با پیش بینی الیور روی متناقض است که برتری رویه‌رشد بنیادگرایان نو- یا اسلام‌گرایان اجتماعی- را در جنبش اسلام‌گرا بطور کلی مطرح کرده بود.

نگاه کنید به:

Oliver Roy, **The Failure of Political Islam** (Cambridge: Harvard University Press, 1994).

۴۶. بدلیل در هم آمیختن خانواده‌ها، تعریف کردن هویت یک فلسطینی در اردن مشکل آفرین شده است. یعنی، «فلسطینی» بر اساس حوادث سال ۱۹۴۸ در فلسطین، یک قومیت سیاسی می‌شود. خانواده‌هایی که برای نمونه در ۱۹۰۰ به اردن مهاجرت کردند بطور کلی خود را اردنی می‌دانند، در حالی که خانواده‌های همان شاخه که در ۱۹۴۸ از فلسطین اخراج شدند، فلسطینی خوانده می‌شوند. به نظر نویسنده، فلسطینی کسی است که خود را فلسطینی می‌داند و دیگران هم او را فلسطینی می‌دانند.

۴۷. این ارقام بر اساس مصاحبه‌ها و بر اساس محاسباتی تخمین زده شده است که نویسنده آن را از فهرست اعضای مندرج در **حزب الجبهه العمل الاسلامی**، صص ۱۰۳-۸۳ استخراج کرده است.

۴۸. تخمین زده می‌شود که از بیش از ۸۰۰۰۰۰ رأی در انتخابات تنها ۳۰ درصد فلسطینی بوده است:

Markaz al - Urdun Al - Jadid li al - Dirasat, **Post Election Seminar**, p.47.

49. **Ibid.**, p. 55.

50. **Ibid.**, p. 48.

**FBIS - NES. 27 October 1989.**

بیانیه جبهه اقدام اسلامی رامی توان در اثر زیر به دست آورد: مرکز الاردنی الجدید للدراسات، **حزب جبهه العمل الاسلامی** (عَمَّان: ۱۹۹۳). بخشهایی از برنامه رامی توان در اثر زیر پیدا کرد:

Hani Hourani, Hamed Dabbas, Taleb Awad and Sa,eda Kilani. **Islamic Action Front Party** (Amman: al-Urdun al - Jadid Research Center, 1993).

۱۲. نگاه کنید به برنامه انتخابات ۱۹۸۹ اخوان المسلمین در

**FBIS - NES. 27 October 1989**

13. **Ibid.**

14. **Ibid.**

15. **Ibid.**

16. **Ibid.**

17. **Ibid.**

18. **Ibid.**

19. Hourani, et al., **Islamic Action Front Party**.

p.31.

20. **Ibid.**, p.32.

21. **Ibid.**

۲۲. نمونه‌های مربوط به این بخش از مصاحبه نویسنده با اسحاق فرحان و زیاد ابو غنیمه در ۱۷ و ۱۹ آوریل در اَمَّان ۱۹۹۴ گرفته شده است. فرحان در حال حاضر دبیر کل جبهه اقدام اسلامی است، او که فلسطینی الاصل می‌باشد در صلت در اردن بزرگ شد و در دانشگاه‌های آمریکایی بیروت و دانشگاه کلمبیا (که در آن دکتری گرفت) تحصیل کرد. فرحان سابقه طولانی کار در دانشگاه‌ها و نیز در دولت، بویژه در وزارت آموزش و پرورش دارد. او را در جبهه اقدام اسلامی بیشتر بعنوان کیوتو (میانرو) می‌شناسند.

ابو غنیمه در اردن متولد شد و در ترکیه لیسانس شیمی گرفت. او نیز در وزارت آموزش و پرورش و در بیمارستان اسلامی در عَمَّان کار کرد. ابو غنیمه که قبل از این سخنگوی رسمی اخوان المسلمین بود، قبل از استعفا از جبهه اقدام اسلامی، در کمیته اجرایی آن عضویت داشت. گرچه هنوز یک اسلام‌گرای قدیمی و با سابقه هست، اما تندرو در نظر گرفته می‌شود.

۲۳. مصاحبه با زیاد ابو غنیمه. ۱۹ آوریل ۱۹۹۴، عَمَّان.

۲۴. جالب اینکه هم فرحان و هم غنیمه هر دو این عبارت را به کار بردند، منتهی اولی به انگلیسی و دومی به عربی. البته روشن است که این موضوع در گذشته نیز مطرح شده بود.

۲۵. مصاحبه با اسحاق فرحان، ۱۷ آوریل ۱۹۹۴، عَمَّان.

۲۶. **الوطن العربی**، ۲۲ دسامبر ۱۹۹۵ که در اثر زیر ذکر شده است:

**FBIS - NES - 95-247, 22 December 1995.**

\* در اینجا مشخص نیست که فرحان به کدام جنگ اشاره دارد، جنگ ایران و عراق یا جنگ دوم خلیج فارس؟ اما همان گونه که از موضع اخوان اردن و توقعات آنها از سعودی‌ها برای تقسیم ثروت خود میان همه مسلمانان جهان بر می‌آید، اسلام‌گرایان اردنی بسیار رمانتیک و غیرواقع‌گرایانه فکر می‌کنند. موضع عجیب اسلام‌گرایان و ساده‌اندیشی آنها نسبت به ماهیت دولت عراق زمانی آشکار شد که تجاوز عراق به کویت را مورد حمایت قرار دادند و جنگ عراق با متحدین را جنگ اسلام و کفر در نظر گرفتند. همین نوع نگرش را می‌توان به موضع آنها در قبال جنگ ایران و عراق، و تجاوز دولت بعث به ایران تعمیم داد. در حالی که بر جهان مسلم شده است، که نظام بعث عراق تجاوز به ایران را شروع کرد، اسلام‌گرایان اردنی می‌خواهند حقیقت را نادیده بگیرند و دفاع ایرانیان از سرزمین خود و رفع تجاوز را نوعی جنگ طلبی قلمداد کنند.

مترجم

۲۷. مصاحبه با اسحاق فرحان، ۱۷ آوریل ۱۹۹۴، عَمَّان.

۲۸. همان.

۲۹. همان.